



## ***Perish***

*['perɪʃ] v.*

*Many people perish in wars.*

به معنای نابود شدن، هلاک شدن  
بسیاری از مردم در جنگ ها کشته می شوند



## ***Pit***

*[pɪt] n.*

*Michael fell into the pit and needed some help to get out.*

به معنای گودال  
مایکل در گودال افتاد و برای بیرون آمدن به کمک نیاز داشت



## ***Rim***

*[rɪm] n.*

*I put my lips to the rim of the bottle and took a drink.*

به معنای لبه، حاشیه  
لبامو گذاشتم لبه بطری و نوشابه خوردم

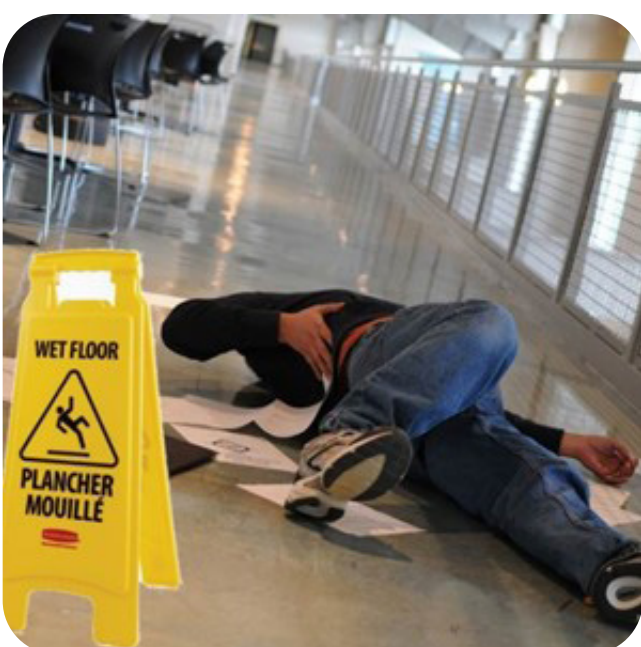


## ***Roost***

*[ruːst] n.*

*The family of doves made a roost at the top of the tree.*

به معنای آشیانه  
خانواده کبوترها در بالای درخت آشیانه ساختند



## ***Slippery***

*['slɪpəri] adj.*

*The repairman fell down on the floor because it was too slippery.*

به معنای لغزنده  
تعمیرکار روی زمین افتاد چون خیلی لیز بود

Good luck





## ***Soar***

*[sɔːr] v.*

*As the sun rose, two eagles soared through the sky.*

به معنای اوج گرفتن

با طلوع خورشید، دو عقاب در آسمان اوج گرفتند



## ***Trivial***

*['trɪviəl] adj.*

*Television is trivial, but learning to read is very important.*

به معنای بی اهمیت

تلویزیون پیش پا افتاده است، اما یادگیری خواندن بسیار مهم است



## ***Typical***

*['tɪpɪkəl] adj.*

*Barking is typical behavior for dogs.*

به معنای معمولی، طبیعی

پارس کردن یک رفتار معمولی برای سگ ها است



## ***Utterly***

*['ʌtəli] adv.*

*When the sun was blocked by the moon, it was utterly dark outside.*

به معنای کاملاً

وقتی خورشید توسط ماه مسدود شد، بیرون کاملاً تاریک بود



## ***Weep***

*[wi:p] v.*

*My sister told me the dramatic movie would make me weep.*

به معنای گریه کردن

خواهرم به من گفت که فیلم درام باعث گریه من می شود

Good luck